



ایستاده بر افقی دور

اعرافی فرزند روحانیت است، دست پرورده حوزه پس از انقلاب؛ چندهه خوشی‌ها و ناخوشی‌های حوزه و روحانیت را چشیده است و در برون‌رفت از ناخوشی‌های حوزه و سربلندی و طراوت انقلاب امام و امت اندیشیده است. او بالندگی حوزه‌ها را در جهانی‌سازی انقلاب اسلامی دیده و بهترین خدمت به انقلاب و روحانیت را در پرورش صدها طالب علم دینی فاضل و انقلابی غیرایرانی یافت. چندهه تکیه بر کرسی مدیریت حوزه علمیه جهانی المصطفی، از او عالمی گسترده‌بینش و جهانی‌اندیش ساخت. این تجربه گرانسنگ و دغدغه‌هایی که در بالندگی حوزه‌های علمیه داشت، رهبرفرزانه انقلاب را برآن داشت که مدیریت حوزه‌های علوم دینی را بردوش او نهد. او نیز در این زمان کوتاه توانسته است افق‌های جدیدی را بگشاید.

با شنیدن شروع دوباره مجله حوزه فروتنانه به جمع اصحاب قدیم و جدید مجله حوزه آمد و از دغدغه‌ها و برنامه‌ها و راهبردهایش برای بالندگی حوزه سخن گفت. او در این دیدار از مشکلات و پیچیدگی‌هایی که در راه رسیدن به چشم‌انداز ۱۴۰۴ حوزه هست گله کرد. با این حال، نگاه او را در اجرای برنامه‌های پیش‌برنده‌اش در تربیت عالمانی فرزانه و جهانی‌اندیش، خیره برافقی دور یافتیم.

حوزه

○ لزوم توجه به سیاست وحدت در کثرت و کثرت در وحدت (معنای عام حوزه)

ما حوزه را باید به معنای عام در نظریه‌گیری و تفاوت‌های ساختاری ضمن اینکه محترم و محفوظ است، نباید مانعی برای همکاری‌ها و همبستگی کلان نهاد‌های بزرگ حوزه باشد. این یک اصل مهم در دیدگاه شورای عالی و بنده و مدیریت در این دوره جدید است. بنده در کلان حوزه و حوزه به معنای عام و اعم، به وحدت در کثرت و کثرت در وحدت معتقدم و باوردارم تنوع‌های ساختاری و سازمانی و تشکیلاتی و همین‌طور تکثر مأموریت‌ها ضرورت‌هایی است که وجود دارد. بخشی از این ضرورت‌ها و تنوع‌ها واقعیت‌های موجودی است که یا مطلوب است و بخشی از آن مطلوب نیست اما مضر هم نیست، ولی در این کثرت بایستی در یک نگاه بلند و راهبردی به وحدت برسد. نمونه‌ای از شکل‌گیری این وحدت، شورای هماهنگی نهاد‌های عالی حوزه است که فعلاً با حضور پنج نهاد مدیریت حوزه‌ای شکل گرفته است: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه برادران و خواهران، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، جامعه المصطفی العالمیه و مرکز خدمات حوزه‌های علمیه. این مجموعه الان با تشریک مساعی دبیرخانه‌ای تشکیل دادند و کارگروه‌هایی شکل گرفته است. به نظر بنده ما باید از بعضی رقابت‌های ناروا ضمن حفظ ساختارها خارج شویم و حتماً در کنار هم بنشینیم و تولید نظریه وحدت و انسجام کنیم و عرصه‌های ارتباطی این مجموعه‌ها را تعریف کنیم. البته تا حدی به شکل درون‌زا و با سازوکار طبیعی این امر وجود دارد، منتهی ما باید تلاش کنیم در حوزه، این مطلب با سازوکار هوشمند و هدایت شده به سمت اهداف بلندتر برود. این سیاست وحدت در کثرت و کثرت در وحدت و هم‌افزایی راهبردی و کلان‌علی‌رغم تنوع‌ها و تکثرها، باید در کارهای فرهنگی حوزه و از جمله در مجله حوزه و جاهای دیگر دنبال شود.

این نگاه را باید در سطح کلان‌تر نیز ارتقا دهیم؛ اینکه همین راهبرد بر تمام حوزه در ابعاد مختلف علمی و دانشی و معرفتی و فکری نیز بایستی حاکم باشد. در واقع حوزه یک جایگاه بزرگ و عظیمی است که ظرفیت‌های فوق‌العاده‌ای دارد و می‌تواند خیلی از تنوعات را در درون خودش جا دهد و به انسجام حوزه هم لطمه‌ای نزند و

این شدنی است. تجربه تاریخی حوزه‌های ما، حداقل در مقاطعی این بوده که از گنجایش و ظرفیت عظیمی برخوردار بوده‌اند، ضمن اینکه خطوط کلی ثابتی وجود داشته که همه به آن پایبند بوده‌اند اما تنوعاتی هم داشته است. مثلاً در حوزه هم معتقدان به فلسفه و حکمت مشاء و متعالیه داریم و هم معتقدان به تفکیک.

○ نظریه تحول در حوزه

مقوله بالندگی رشد و تعالی و تحول مقوله‌ای است که دائم محل حرف و حدیث و گفت‌وگو و مناقشات بوده است. تحول، یعنی آنچه رهبری معظم بر آن تأکید داشتند و ایشان از پیشگامان تحول حوزه بودند و البته پیش‌تر هم امام دغدغه‌مند تحول بودند. تحول از مسائل مهمی است که ما باید برای آن نظریه‌سازی کنیم؛ نظریه‌ای که بایستی مراجع معظم و رهبری و بزرگان حوزه هم با آن همدلی نشان بدهند؛ شاید نظریه‌ای که در همه جزئیات به وفاق برسند به دست نیاید ولی ممکن است اکثریتی را پیرامون خود گرد آورد. با توجه به اینکه ایده‌ها و اندیشه‌های متنوعی در حوزه تحول داریم و بسیاری از آن هم در متن حوزه محقق شده، نیاز است که کاوشی اساسی گردد تا نظریه جامع به وجود آید. این وظیفه نهاد‌هایی است که می‌توانند در این زمینه کمک و کار کنند از جمله همین مجله حوزه.

○ هویت حوزه

هویت حوزه، امر بسیار مهمی است که بایستی دائم بازپزدازی و بازسازی شود؛ گرچه کسانی هم می‌گویند در این زمینه، ضعف و خللی نداریم ولی به هر حال باید به این مقوله پرداخت. موافقان این مطلب که هویت حوزه‌ای رو به تضعیف است، نشانه‌هایی در نظر دارند که ممکن است درست باشد یا نه. برای نمونه، گرایش به تحصیلات و مدارک غیرحوزه‌ای در نهاد‌های دیگر. خوب برخی تفسیر کاملاً مثبتی از این قصه دارند، چراکه کارکردهای جدیدی ایجاد می‌کند و برخی هم تفسیر منفی دارند. به نظر بنده، هر دو طرف این قضیه، کمی تندروری است؛ چرا که هم جهات مثبت دارد و هم جهات منفی و بخشی از این به هویت حوزوی باز می‌گردد و بخشی به دستگاه‌ها و ساختارهای اصلی حوزه که احتمالاً پاسخگوی یک سری چیزهایی نبودند

که کسانی احساس می‌کنند باید به سمت دیگری بروند.

○ سنت‌های فکری، آموزشی و معرفتی حوزه

بحث سنت‌های معرفتی، فکری، آموزشی، تحقیقی، مدیریتی و اخلاقی حوزه و مناسبات این سنت‌ها با سنت‌هایی که امروز در نهاد‌های علمی دیگر وجود دارد، از مقولات مهمی است که با بحث هویت هم ارتباط دارد، ولی به شکل مستقل هم قابل مطالعه و تأمل است. در اینجا هم طیفی از نظریه‌ها وجود دارد: از کسانی که خیلی سنتی فکر می‌کنند تا کسانی که خیلی باز می‌اندیشند، تا صاحبان دیدگاه‌های میانه و وسطی. یکی از چیزهایی که بنده با آن مواجهم و سی سال است که ذهنم را درگیر کرده، همین مقوله سنت‌هاست؛ هم سنت‌های پیشین و هم سنن جدید و هم مناسبات این دو و جایگاه حوزه در این میانه. برخی سنت‌های بزرگی داشتیم که یا باید عیناً حفظ بشود یا باید با گونه‌ای بازسازی حفظ گردد. جمع این دو به قول عرب‌ها، الاصله و الحدائه است که بنده به آن معتقد هستم، اما این اصالت، پشتوانه‌اش مجموعه‌ای از سنت‌ها و آداب و رسوم در حوزه‌های فکری، معرفتی مدیریتی، معیشتی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، تحقیقی، تبلیغی و... است و ما دنیایی از این سنن را داریم. شاید بنده در جایی هفتاد، هشتاد سنت را نوشتم و تقسیم کردم. در هر کدام از آنها هم، تعدادی از سنت‌های مهم را برشمردم. بخشی از آنها حفظ شده و بخشی در معرض زوال است، از طرفی سنت‌های جدید هم چیز کمی نیست. از جمله علوم امروز، همین علوم انسانی و اجتماعی که معتقد به بازسازی و بازپیرایی آنها هستیم.

○ بین‌الملل در افق نگاه حوزه

مقوله نگاه‌های بین‌المللی، عرصه بی‌پایانی است که پیش روی ماست و افق‌های فراوانی دارد. بنده در اینجا به نمونه‌هایی اشاره می‌کنم: یکی از برکات انقلاب اسلامی این است که در بسیاری از کشورها اولین بار نهاد روحانیت در حال پایه‌ریزی است.

مسئله دیگر در بخش بین‌الملل، این است که حوزه قم در فرهنگ و ادب فارسی در حصار است. شما تصور کنید یک یا دو درصد تولیدات این مراکز و پژوهشگاه‌های

حوزوی که بسیار هم هست، رنگ غیرایرانی پیدا بکند و برود در بازار علم جهان؛ چه تأثیری خواهد داشت! الان محصولاتمان در یک زندان زبان و ادب و فرهنگ فارسی است. البته می‌دانید که که زبان یک مسئله است و فرهنگ و ادب چیز دیگری است. در این بخش هم مثل این مجله یا دستگاه‌های دیگر می‌توانند افق بگشایند و راه‌هایی نشان دهند و البته به بخش علم‌سنجی ورود کنند.

○ آسیب‌شناسی روحانیت حوزه

هم در حوزه آسیب‌شناسی و هم در مطالعات کلان روحانیت و حوزه، خود مدیریت حوزه واقعاً مسئولیت دارد. اگرچه یک مجموعه و یا یک اندیشکده مختصری هم راه افتاده است و به‌زودی مرکز مطالعاتش هم راه‌اندازی می‌شود، طبعاً در آنجا نمی‌شود کار صفی جامع انجام داد و حتماً باید تشریح مساعی شود. بحث آسیب‌های روحانیت واقعاً امر مهمی است. مسائل و آسیب‌هایی که باید آمار و ارقام آنها را به دست بیاوریم.

○ حوزه و نیازهای جامعه

در بحث نیازهای جامعه، جهان، جوانان، دانشگاه‌ها و دنیای امروز، وظیفه حوزه است که به این نیازها جواب دهد. الان در قم تقریباً هفتاد هزار روحانی و طلبه داریم که حدود سی‌الی چهل هزار طلبه در سطوح عالی و دروس خارج هستند و رقم قابل‌اعتنایی است، اما در این بخش کمترین تمرکز و سرمایه‌گذاری وجود دارد. الان نزدیک شش صد درس خارج و حدود چهارصد الی پانصد درس سطوح عالی و شاید دویست الی سی صد درس هم مثل کلام و فلسفه و تفسیر و... در حوزه وجود دارد که به صورت آزاد برگزار می‌شود. حالا نزدیک به چهارصد درس فقه برگزار می‌شود که عرصه‌های جدید هنوز جای خودش را در آن درس‌ها پیدا نکرده است. خوب با توجه به این مقدمات، در این حوزه آزاد با چهارصد درس فقه که البته باید روزبه‌روز تحقیقاتش عمیق‌تر شود، و بنده معتقدم کافی نیست، حتماً سهمی برای مسائل جامعه و قلمروهای جدید باید باز کرد. در این زمینه خود این مجله حوزه که گاه به این مسائل پرداخته، باید کمی عمیق‌تر و به‌گونه‌ای جریان‌ساز، باید وارد شود.